



تاریخ انقلاب خراسان و بنای مشروطیت

نقد و بررسی یک نسخه منظوم از مشروطه خراسان

• ابوالفضل حسن آبادی

مشروطه مانند انجمن‌های سیاسی و فرهنگی از جمله انجمن معدلت رضوی^۱، انجمن‌های ولایتی، انجمن ائنی عشری^۲، انجمن سعادت^۳، انجمن همت^۴، انجمن اتحاد خراسانیان^۵ کم‌کم در خراسان شکل گرفت. هر چند که بررسی وقایع این دوره خراسان حاکی از عدم عمیق بودن اثرات آن دارد^۶.

در این مقاله ابتدا مرور کلی بر منابع مشروطه در خراسان خواهد شد تا اهمیت کتاب مورد نظر بیشتر مشخص گردد.

منبع‌شناسی مشروطه

برخلاف بعضی از نقاط کشور منابع مشروطه در خراسان چندان شناخته شده نیست و با توجه به غنای منابع تاریخی در این دوره در کشور در مورد مشروطه خراسان اطلاعات کمی موجود می‌باشد.

۱- منابع

هیچ منبعی که به طور مستقیم درباره مشروطه خراسان نوشته شده باشد، در دست نیست. کتاب آبی مجموعه تلگرافات کنسول انگلیس در خراسان، حاوی مطالب مهمی درباره وقایع رخ داده در زمان مشروطه می‌باشد. محمد حسن ادیب رضوی در حدیقه الرضویه، کتاب نارتجی، گزارشات کنسول شوروی در مشهد، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ملک الشعراء بهار، مشروطه گیلان به انضمام وقایع مشهد در سال ۱۳۱۲، تاریخ انقلاب مشروطه ایران ملکزاده، تاریخ بیداری ایرانیان ناظم‌الاسلام کرمانی، واقعات اتفاقیه محمود موسوی شریف آبادی، مقدمه دیوان میرزا حبیب خراسانی هر کدام اشاراتی به مشروطه خراسان داشته‌اند.

روزنامه‌ها

انتشار روزنامه در خراسان جلوتر از افکار عمومی بود. اولین روزنامه خراسان به نام ادیب از سال ۱۳۱۹ ق. به طبع رسیده است. در سال ۱۳۲۴ ق. همزمان با شکل‌گیری مشروطه خراسان روزنامه بشارت^۱ و سپس روزنامه خورشید^۲ در همان سال به طبع رسید. هر دو روزنامه خط مشی طرفدار مشروطه داشتند و حاوی مطالب ارزشمندی درباره حوادث روزمره مشروطه، انجمن‌های سیاسی و

از جنبش مشروطه به عنوان نقطه عطف در تاریخ کشور ایران یاد می‌شود که اثرات عمیقی در تمامی زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ساختارهای فکری بر جای گذاشت. البته باید توجه داشت که اثرات این انقلاب در نقاط مختلف کشور متفاوت بوده و در برخی از نقاط مانند تبریز، تهران و رشت بسیار عمیق‌تر از مناطقی مانند خراسان بوده است.

در باب این که چرا خراسان دیرتر مشروطه را پذیرفت، دو دلیل می‌توان برشمرد:

۱- افکار عمومی در خراسان در مجموع نسبت به حکومت مرکزی و دربار تمایل داشتند و طرفداری عمومی از مشروطه نه به دلیل آگاهی، بلکه بر اثر هیجانات عمومی بود. حیدر عمو اوغلی که مدت یک سال به عنوان مهندس برق در مشهد بوده و فعالیت‌هایی را بر گسترش مشروطه داشته، به رکود فکری مردم مشهد اشاره نموده و بر عدم فهم عمومی برای پذیرش مشروطه تأکید می‌کند.^۱ محمد صادق طباطبایی در روزنامه مجلس در مورد عدم آمادگی خراسانیان آورده که

کوه و صحرا همه در تسبیحند

نه کم از بلبل هستی تو بنال ای هوشیار

از قرار معلوم اهل خراسان با توجه به آن همه لطف و کرم غیبی که از وجود مرقد حضرت رضا(ع) شامل حال ایشان است باز چشم و گوششان بسته و خیالشان پست و افکارشان محدود مانده، گویا نشا تریاک ریشه ادراک را از آن‌ها و از آن خاک برانداخته است.^۲

۲- عامل مهم‌تری که به نوعی افکار عمومی در خراسان را نیز تحت تسلط خود داشت، مخالفت روحانیون و رووسای آستانه با مشروطه بود. شهر مشهد به علت برخورداری از وجهه مذهبی نفوذ روحانیون آن به مراتب بیشتر از تهران بود و این نکته‌ای بود که از چشم کنسول انگلیس نیز پنهان نمانده و همراهی علمای مشهد با مشروطه را نه از روی خواست درونی، بلکه به خاطر همراهی با شرایط روز آورده است.^۳ افرادی مانند میرزا حبیب‌الله مجتهد، ابراهیم رضوی، شیخ حسن مجتهد بالا خیابانی از مخالفان بودند. هر چند از علمای مشهد مانند شیخ ذبیح‌الله مجتهد قوچانی^۴، محمدباقر رضوی^۵ در جبهه موافقان قرار داشتند. البته نباید از یاد برد که نمادهای استقرار



انجمن‌های سیاسی و فرهنگی خراسان در عصر مشروطیت، ابوالفضل حسن‌آبادی در شمار مقالات می‌باشد.

تاریخ انقلاب خراسان و بنای مشروطیت

میرزا رجعلی تجلی سبزواری فرزندملا حسن در سال ۱۲۶۵ خورشیدی در سبزواری متولد شد درباره زندگی وی اطلاع زیادی در دست نیست احتمالاً در سال ۱۳۳۳ فوت نموده است وی شاعری خوش مشرب صوفی مسلک، داستان سرا، قصیده و غزل سرا، و از آزادیخواهان زمان خود بوده که قدر و منزلت وی به علت فروتنی و تواضع کمتر شناخته شده است اعتبار و شهرت وی تا هندوستان نیز رفته بود. اشعار وی در موضوعات مختلف اخلاقی، حکمت، عرفان و تاریخ بالغ بر چهل هزار بیت می‌شود که حاکی از استعداد و وسعت نظر شاعر است کمتر شاعری را در این دوره می‌توان یافت که در این گستره وسیع شعر سروده باشد. از آثار وی می‌توان به

۱- کنکاشنامه: مهمترین و بزرگترین اثر وی که تاریخ عمومی مشروطه ایران محسوب می‌شود، و بنا به نوشته ناشر کتاب تجدیدنامه کتابی بوده تاریخی و حاکی از یک دوره انقلاب مشروطه که شروع آن از اولین سفر ناصرالدین شاه به فرنگستان شروع شده به افتتاح مجلس خاتمه یافته است.

کتاب مزبور به دستور شاهزاده افسر به نظم درآمده و شامل هشت هزار بیت و پنجاه گراور تاریخی بوده است که متأسفانه تاکنون مشخص نشده آیا چاپ شده یا خیر و اثری از آن به دست نیامده

فرهنگی و موضع‌گیری‌های گروه‌های مختلف می‌باشند. خاطرات احتشام کاویانیان از خدام آستان قدس و مؤلف کتاب شمس‌الشموس که به طور مسلسل‌وار در روزنامه خراسان سال ۱۳۴۱ چاپ شده، تنها خاطرات به تحریر در آمده از یک فرد در این دوره می‌باشد.

اسناد

اسناد زیادی از مشروطه خراسان در دست نیست، اسنادی پراکنده در مدیریت امور اسناد و مطبوعات سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سازمان ملی اسناد ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی در دسترس می‌باشند. تنها مجموعه کامل سندی، اسناد انجمن معدلت رضوی در مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های معاصر است که شایسته تحقیق و پژوهش می‌باشد.

تحقیقات

تاکنون در مورد مشروطه خراسان اثر تحقیقی مجزا به چاپ نرسیده است که شاید فقدان آن به دلیل کمبود اسناد و مدارک باشد.

مقالات

مقالات محدودی در زمینه مشروطه خصوصاً در مشهد نگارش یافته است. مروری بر تاریخچه احزاب و انجمن‌های سیاسی اثر غلامرضا جلالی، حیات و حرکت ضداستبدادی شیخ ذبیح‌الله مجتهد قوچانی غلامرضا جلالی، حیدر خان محمد اوغلی سعید نفیسی،

**برخلاف بعضی از نقاط کشور
منابع مشروطه در خراسان
چندان شناخته شده نیست
و با توجه به غنای منابع
تاریخی در این دوره در
کشور در مورد مشروطه
خراسان اطلاعات کمی
موجود می‌باشد**



وی ابتدا در سبزواری به فعالیت‌های مشروطه خواهی پرداخت و بعد از تبعید به مشهد مبارزات خود را ادامه داد و با توجه به محتوای کتابش از موافقان مشروطه و فعالان آن در مشهد بوده است، چنانکه در متن کتاب تجدیدنامه از بهار به خوبی یاد کرده و ذکر نموده که در انجمن‌ها و اجتماعات مشروطه‌خواهان به همراه وی شرکت می‌کرده است.^{۱۵}

است

نخستین روزهای انقلابات

که آزادی بچرخ افراشت رایات
من او غیابی و عیابی
به مشهد هر دو بودیم انقلابی
ز آزادی بهر مجمع رسیدیم

به جم خلق روحی در دیدیم

تجلی تا آخر عمر به شرب فکری و سیاسی خود وفادار ماند و در افکار خود تغییری نداد.

کتاب مورد معرفی تاریخ انقلاب خراسان و بنای مشروطیت آن، یک منظومه بلند ۵۴۹ بیتی در قطع جیبی است که در سال ۱۳۲۷ قمری به صورت چاپ سنگی چاپ شده و در بخش کتب چاپ سنگی سازمان کتابخانه‌ها موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌گردد. کتاب متنی ساده و روان برخوردار است و نویسنده با استفاده از اشعار جذاب سعی در آوردن تاریخ مشروطه خراسان دارد هر چند که در این راه تا حدودی در طر فدااری از مشروطه خواهان راه افراط پیموده است. کتاب به چند دلیل حایز اهمیت است

۱- کتاب مختص به حوادث مشروطه بوده و به غیر از مقدمه کوتاه به شرح حوادث پرداخته است

۲- جز آثار معدود منظوم در مشروطه ایران و بسی نظیر در مشروطه خراسان می باشد

۳- مولف خود بسیاری از وقایع را به چشم دیده و یا به طور مستقیم در آن شرکت داشته است، به همین خاطر است که به برخی از حوادث اشاره نموده که در جای دیگر ذکر نشده است

۲- تجدید نامه: این کتاب در زمان حکومت رضاخان و در سال ۱۳۴۷ق. نوشته شده است و موضوع آن ورود تمادهای جدید فکری و فواید آن در جامعه می‌باشد

۳- ارمغان تجلی: حاوی اندرزها، نصایح حکیمانه و پندهای تاریخی در قالب اشعار زیبا می باشد

۴- طالبنامه تجلی: داستان گردن زدن طالب نام ایرانی در مکه به فرمان ابن سعود که در بر گیرنده اشعار عرفانی، فلسفی، تاریخی است و با سبکی شیوا و بلیغ در حدود ششصد بیت سروده شده است. از دیگر کتب وی می‌توان به ذم الاستبداد ۱۳۲۶ق.، شادباش تجلی، نیاز تجلی اشاره نمود. مقام و موقعیت تجلی چنانکه باید در خراسان و ایران مشخص نشده، اما در هند و افغانستان بیشتر شناخته شده است.^{۱۶}

مشرب فکری: با توجه به نوع اشعار و موضوعات مختلف آن وی را نمی توان شاعری سیاسی کار نامید. وی فردی و طن پرست و متدین بوده است اما شکی نیست که دارای افکار مشروطه خواهانه و تند بوده، چنانچه چند بار مورد تهدید مخالفانش فرار گرفته و شاید یکی از دلایل چاپ نشدن آثارش و انزوانشینی و عزلت وی وجود مخالفان سرسخت در خراسان بوده است. مخالفت با بزرگان آستانه و شهرمشهد در زمان مشروطه که در کتاب تاریخ مشروطه خراسان نمود پیدا کرده و داشتن افکار تجدید خواهانه که مغایر با جو مذهبی مشهد بود از این دلایل محسوب می گردد. وی با مشروطه دمساز بوده و در شمار مشروطه خواهان سرسخت به شمار می رود.



کتاب هفده

تاریخ و خرافات

از جنبش مشروطه به عنوان یک نقطه عطف در تاریخ کشور ایران یاد می‌شود که اثرات عمیقی در تمامی زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و ساختارهای فکری بر جای گذاشت. البته باید توجه داشت که اثرات این انقلاب در نقاط مختلف کشور متفاوت بود است

طوب موقت عزل ونیر الدوله والی ایالت می‌گردد که با وجود این که مدت دو ماه در نیشابور معطل می‌شود موفق به ورود به مشهد نمی‌گردد (۱۸).

مرحوم مدرس رضوی چنین می‌آورد:
 یک نفر از جاسوس‌های مجاهدان در ارگ شناخته شده و سربازها به شمشیر ضربتی به وی زدند این خبر به مجاهدین رسید و تصمیم به تصرف ارگ گرفتند تا مقابل حیطة حاج کربلایی علی آمده و سنگر گرفتند که شب به ارگ حمله کنند، سربازها سه نفر را برای خبر گیری فرستادند که یک نفر از آنها کشته و دو نفر برگشتند، در این زمان سربازها ارشد نداشتند و چهار ماه حقوق نگرفته بودند روس‌ها به سربازها کمک کرده، مجاهدین شکست خورده در کاروانسرای فیض محمدسنگر گرفتند. سربازها مقابل دواخانه انگلیس با توپ سنگر مجاهدین را خراب کردند و مجاهدین را تا بازار و نزدیک حمام سالار بهادر تعقیب کردند. در این بین حیطة حاج علی اکبر آتش گرفت مجاهدین چند شب بعد مجدداً به ارگ حمله کردند که نتوانستند آنجا را تصرف کنند... ۱۹

بررسی مطالب کتاب نشان می‌دهد که تا حدودی نویسنده جانبدارانه به ارزیابی مسائل پرداخته است و بعضاً اصطلاحات نامناسبی را علیه مخالفان مشروطه به کار برده است چنانکه:

چند روزی نشد از این هیجان

کز نو آمد سر خری بمیان

میسر عبدالرحیم نامی بود

خریبی افسر و لگامی بود

دیو شکلی ستمگر بدچهر

قامتش سر کشیده تا سپهر

وی از اهالی نوغان مشهد بود که با گروهی از اوباش اقدام به شورش در محله نوغان نمود. از اهداف وی با توجه به متن کتاب انداختن اختلاف بین ترکها و فارس‌ها بود که تا حدودی هم موفق گردید. چند سال بعد در حادثه بمباران حرم در سال ۱۳۳۰ ق جز عناصر اصلی بود^{۱۳}

سید آقا کوچک نانوا و از اهالی نوغان بود که نایب علی اکبر حسنی را در نوغان شکست داد، و تلگرافخانه باغ عنبر را تصرف کرد

۴ - کمبود منابع تحقیقی در مورد مشروطه خراسان کتاب با مقدمه ۴۰ بیتی از مؤلف درباره مشروطه ایران شروع شده و سپس داستان اصلی آغاز می‌گردد^{۱۴}. هر آنچه دیده را به نظم آورده است و با توجه به اینکه در بطن حوادث بوده، اطلاعات خوبی را ارائه داده است.

بررسی مطالب کتاب نشان می‌دهد که سیر شکل‌گیری مشروطه مشهد را از آغاز در کتاب خود ذکر نکرده است و با توجه به شروع مطالب کتاب از زمان ورود آقازاده پسر آخوند خراسانی به مشهد از ۱۳۲۶ به بعد بوده است، احتمالاً در این سال از سبزوآر به مشهد تبعید شده است. مؤلف سعی کرده در کتاب خود علاوه بر رک گویی از تلمیحات نیز برای رساندن منظور استفاده نماید، چنانچه در این ابیات:

رکن دولت که با کفایت بود

والی آن روز در ولایت بود

زین کفایت مراد میدانی

حمل بر من مکن به نادانی

این کتابیست از کفایت او

شمه هست از حکسایت او

قطعاً با توجه رفتار رکن الدوله قصد نویسنده از به کار بردن کلماتی مانند رکن دولت طعنه زدن بوده است. در این قسمت از مقاله به بررسی نکات تاریخی آورده شده در کتاب و تحلیل آن‌ها پرداخته خواهد شد

رکن الدوله و نقش وی در مشروطه خراسان: علی نقی میرزا پسر بزرگ محمد تقی میرزا رکن الدوله که سه بار به عنوان حاکم خراسان در سالهای ۱۳۲۱ - ۱۳۲۶ - ۱۳۲۸ ق تعیین شد (۱۷) وی در شمار مخالفان مشروطه بود و اندک همراهی وی با مشروطه خواهان از روی اجبار بود و مخالفت وی با مشروطه خواهان و اقدامات وی بر علیه آنان در کتاب مشخص می‌باشد

در مورد عزل رکن الدوله و آمدن نیرالدوله منابع موجود سکوت کرده اند، مهدی بامدادسالیهای حکومت وی در خراسان را ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ ق برای بار اول و ۱۳۲۶ ق برای بار دوم ذکر می‌کند که تا سال ۱۳۲۸ و عزل وی ادامه داشته است. اما در همین سال به





تا به صبح از صدای تیر و تفنگ کسی خواب ندارد، چند ترک فدایی آمده‌اند این جا را هم مانند سایر ولایات کرده‌اند. اگر مقصودشان در واقع مشروطه باشد باز دل شخصی نمی‌سوزد، مقصود ایشان پول است و پول است باز پول از هر کس پولی که می‌خواهند اگر دادند در امان باشند، والا شبها بمب و نارنجک در خانه‌ها می‌انداختند، با نفت در خانه‌ها را می‌سوزانند.^{۱۸}

احتمالاً به تدریج با قدرتگیری مشروطه خواهان در مشهد برخی اقدامات مانند ترور مخالفان مشروطه آشفته کردن اوضاع عمومی، درگیری با سربازان حکومتی، باعث نارضایتی مردم شد. از اقدامات منفی مجاهدان می‌توان به

- ۱- تازیانه زدن حاج حسن بالا خیابانی و شکستن دست وی^{۱۹}
- ۲- ترور حاجی فاضل خراسانی^{۲۰}
- ۳- ترور نایب یوسفخان بیگلریگی^{۲۱}
- ۴- قتل حاج احمد تاجر اسکویی در مسجد گوهرشاد^{۲۲}
- ۵- کتک زدن حاج حسین آقا ملک در مسجد گوهرشاد^{۲۳}
- ۶- ترور حاجی اعتضاد التولیه اشاره نمود

مجموعه این اقدامات باعث خروج ترکان و رفتن آنها به تربت گردید.

گشت نومید حاج علی آقا

چون چنین دید حاج علی آقا

شد بر آن سر ز روی فکر و خرد

که در دیگری بیاید زد

بست بار سفر سوی تربت

شد به جان رهبر سوی تربت

با دو کمتر برادر خود نیز

بر جهانداران بلد شبدیز

وی به خاطر شجاعتش به شجاع الا سلام ملقب شد. در حادثه اختلاف بین ترکها و فارس‌ها به عنوان رئیس فارس‌ها انتخاب گردید^{۱۸} سیداً کوچک آن بزرگ نژاد

که خدایش معین و یاور باد

عده جمع کرد از نوغان

شد مسلح چو ازدهای دهان

چون که آن جمع گشتنش توأم

در همه شهر برافراشت علم

علم عدل و داد مشروطه

رایت زنده بباد مشروطه

وا علی و محمد گوینان

با دلیران کوچه نوغان

حضرتش بر مراد نائل شد

انجمن را به شوق داخل شد

از طرف دیگر به نظر می‌رسد مؤلف بیش از اندازه نسبت به مجاهدان قفقازی حسن نیت نشان داده است، هر چند نمی‌توان نقش آنها را در پیشبرد مشروطه خراسان نادیده انگاشت.

میهمانان ترک ما را چون

بود فطری نجابتی بدرون

هیچ حرفی زبیش و کم نزدند

بیم بخوردند و هیچ دم نزدند

نیز پایبچشان نگشتندی

کارشان با خدای هستندی

اما آنان در آشفته کردن اوضاع سهم داشته‌اند، چنانکه ناظم الاسلام کرمانی در کتاب خود به نحو دیگری قضایا را شرح داده است.

- مشهد بیست روز است که به طوری مغشوش گردید که شب

چند تن از مجاهدین سترک
 از خراسانی و درجیز و ترک
 برد اندر رکاب خود همراه
 زد به تربیت به فرخی خرگاه
 پیش از آن کو در آندیار رود
 سوی آن شهر رهسپار شود
 ورود زنان فاحشه را به انجمن و مضروب کردن اعضای انجمن
 ایالتی علاوه بر تحریک مخالفان مشروطه، بسته شدن منازل فاحشه‌ها
 توسط انجمن بود.^{۲۵}

داده شد چون بدان زنان دستور
 گشت در لحظه انجمن محصور
 شد ز غوغای آن زنان سنگ
 عرصه کار بر و کیلان تنگ
 بس که شد زان سلطیه‌گان ناشی
 ناسزا حرف‌های فحاشی
 آن مکان را ز خویش رفتندی
 انجمن را وداع گفتندی
 چون از این واقعه دل‌پریش شدند
 سوی خانه‌های خویش شدند
 نکته‌ای که مؤلف به سادگی از کنار آن گذشته اختلاف میان ترک‌ها و
 فارس‌ها و انتخاب رؤسای جداگانه برای آن‌ها، توسط انجمن بوده است.
 بعد از توپ‌بندی مجلس، جلساتی به منظور حمایت از
 مشروطه خواهان تهران در مشهد برپا شد و تمام بزرگان شهر چه
 مخالفان و چه موافقان مشروطه در آن شرکت داشتند.^{۲۶}
 با قدرت‌گیری مخالفان مشروطه در تهران، کم‌کم زمزمه مخالفت
 با مشروطه در مشهد بالا گرفت و جلساتی به صورت مخفیانه برپا شد،
 در یکی از این جلسات که در منزل اعتضادالتولیه برپا شده بود،
 مجاهدان وی را ترور کردند.^{۲۷}

دو سه روزی گذشت از این میثاق
 که گرفت اعتضاد راه نفاق
 ارگیان را به وجه دلخواهی
 مخفیانه نموده همراهی
 از کمسیون فدائیان غیور
 بشدندی به کشتنش مأمور
 شب به قتلش قیام بنمودند
 کار او را تمام بنمودند
 و بزرگانی مانند محمد علی قایم مقام نیز تهدید به مرگ شده و
 مجبور به ترک شهر گردیدند.^{۲۸}

چست و چالاک همچو ضیغم مست
 برگرفتی رولوی در دست
 ره به قائم مقام بگرفتی
 همچو گرگش به دام بگرفتی

گفت کی مستبد بدهنچار
 سخنی گویمت زمن هس دار
 بنده از سزبان انجمنم
 بر علن دان فدائی وطنم
 نیز از مرکز بدین مأمور
 تا که خون تو را کنم مه‌دور

مؤلف در مورد شخصیت میرزا حبیب خراسانی و افکار وی
 ناعادلانه سخن به میان آورده است:
 نیز یک‌چند تن ز مجتهدین
 همه گشتند یسار مستبدین
 حاج میرزا حبیب و ابراهیم
 جعفر و طاهر این دو شخص ایشم
 هر چند میرزا حبیب را نمی‌توان در شمار مشروطه خواهان به
 شمار آورد، اما وی فردی روشن و با افکار جدید موافقت داشت هر
 چند که به علت برخی تندروی‌های مجاهدان صدرصد با آنها همراهی
 نکرد.^{۲۹}

حاج میرزا ابراهیم رضوی: فرزند میرزا محمد مجتهد رضوی
 و نوه میرزا حسن مجتهد بود. از نظر شخصیتی اعتبار بسیار زیادی
 داشت و سندی نبود که به دست ایشان مهر نشود. وی از مخالفان
 مشروطه بود و با بیان الشروطه کفر مخالفت خود را اعلام نمود.
 در جریان بمباران حرم رضوی جزو محرکان به شمار می‌آمد، وی در
 سال ۱۳۳۴ ق. فوت نمود.^{۳۰}

مهم‌ترین مطالب کتاب را به شکل زیر می‌توان خلاصه نمود:
 - ابلاغ تلگراف آخوند خراسان توسط پسرش آقازاده در
 مشهد^{۳۱}
 - اقدام رکن الدوله در سرکوب مشروطه خواهان
 - اقدامات خیرخواهانه مشروطه طلبان (کریم صراف، عبدالرحیم
 صرافان)^{۳۲}
 - تلگراف از مرکز در پذیرش مشروطه توسط محمدعلی شاه
 - دستگیری چند تن از مشروطه طلبان و تبعید آنها به کلات^{۳۳}
 - سکوت مشروطه خواهان و حاکم شدن استبداد در مشهد^{۳۴}
 - تشکیل انجمن معدلت رضوی^{۳۵}
 - ورود ترک‌های قفقاز به مشهد و اقدامات آنان^{۳۶}
 - عزل رکن الدوله و آمدن نیرالدوله
 - اقدام مخالفان مشروطه علیه انجمن
 - برخورد مشروطه خواهان با مخالفان مشروطه (قائم مقام)
 - مخالفت رؤسای آستانه با مشروطه و سایر مخالفان مانند میرزا
 ابراهیم رضوی^{۳۷})

- سعی مخالفان در انداختن اختلاف میان ترک و فارس
 - اقامات مستبدین علیه ترکان قفقازی و رفتن آنان به تربیت
 - ورود زنان به انجمن و توهین به آن

- پیروزی مشروطه خواهان در تربت و صدور تلگراف به مشهد
 - شورش نائب علی اکبر در نوغان
 - ورود روس‌ها به مشهد^{۳۳}
 - درگیری مشروطه خواهان و مستبدین در مشهد
 - اقدامات مشروطه خواهان در به دست گرفتن کنترل مشهد
 - زد و خورد موافقان و مخالفان در ارگ و سراب
 - حاکم شدن هرج و مرج در مشهد و غارت اموال
 - ترور اعتضادالتولیه (سرکشیک پنجم)
 - انتصاب مجدد رکن الدوله به حکومت خراسان
 - ترور بیگلریگی توسط مجاهدین
 - غارت منزل کاشف الملک از مشروطه خواهان
 - تحصن مخالفان مشروطه در ارگ و نبرد با مجاهدان و کمک روس‌ها به مخالفان مشروطه
 - فتح تهران توسط مشروطه خواهان و هیجانات ناشی از آن در مشهد
 - چراغانی شهر توسط مردم به مناسبت پیروزی مشروطه
 - با توجه به منظوم بودن کتاب مؤلف از ذکر تاریخ رخ‌دادن وقایع خودداری نموده که از نقاط ضعف به شمار می‌رود. ذکر تسلسل‌وار مطالب، رعایت ترتیب حوادث با توجه به زمان رخ دادن، شرح دقیق برخی از اتفاقات رخ داده مانند غارت منزل کاشف‌الملک، اقدامات ترکان در مشهد، اقدامات مخالفان مشروطه از نقاط قوت کتاب محسوب می‌گردد. به هر حال کتاب تاریخ انقلاب خراسان و بنای مشروطیت کتابی است ارزشمند که شایسته بررسی محققان و پژوهشگران می‌باشد.
- پانویست:**
- ۱- سعید نفیسی، حیدرخان عمو اوغلی، مجله یادگار، سال سوم، شماره پنجم، دی ماه ۱۳۲۵، ص ۴۸.
 - ۲- روزنامه مجلس، شوال ۱۳۲۴، ص ۲. ملک‌زاده درباره مشروطه در خراسان آمده است. در مشهد نیز چون سایر شهرهای ایران انجمن ملی تشکیل شد و دو دستگی و اختلاف مشروطه و مستبد تعطیلی عمومی و زد و خوردهایی را به دنبال داشت که بیشتر جنبه شخصی داشت و خراسان هیچ وقت در راه مشروطیت قدم مؤثری برنداشت و مشروطه‌خواهان حقیقی در آن سامان نفوذ نداشتند. مهدی ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۲، ص ۱۱۴۶.
 - ۳- کتاب آبی به انضمام احمد بشیری، ج ۱، ص ۳۴.
 - ۴- میرزا ذبیح‌الله مجتهد قوچانی: در سال ۱۲۷۴ در قوچان به دنیا آمد. بعد از طی آموزش مقدماتی در مدرسه میرزا جعفر در سال ۱۲۹۵ به عتبات عالیات رفت و ۱۲ سال در آن جا ماند. وی شاگرد آخوند خراسانی بود، بعد از رسیدن تلگراف آیت‌الله خراسانی جزو مشروطه‌خواهان مشهد در آمد و در زمرة انجمن ایالتی بود. وی از قبول وکالت مجلس خودداری نمود و در سال ۱۳۳۵ قوت کرد. جلالی، غلامرضا، حیات و حرکت ضد استبدادی شیخ ذبیح‌الله مجتهد قوچانی، نگاه حوزه اردبیه‌ست ۶-۷، ص ۶-۷

- ۵- محمدباقر رضوی: در سال ۱۲۷۰ ق در مشهد به دنیا آمد پدرش در زمرة علمای مشهد بود و محمدعلی رضوی عمویش مدرس رسمی آستان قدس بود.
- در سال ۱۲۹۴ق. به سبزواری رفت و مدتی شاگرد ملا هادی سبزواری بود. در سال ۱۳۰۶ق. به نجف رفت و مدتی شاگرد آخوند خراسانی بود. در جریان مشروطه از آن حمایت کرده و عضو نماینده انجمن ایالتی بود ولی بعدها در مخالفت با بعضی از کارهای افراسی از انجمن بیرون آمد. جلالی، غلامرضا، حیات و حرکت میرزا محمدباقر رضوی، نگاه حوزه‌آبان و آذر، ۷۶، صص ۲۳ و ۲۴.
- ۶- انجمن معدلت رضوی در چهاردهم محرم ۱۳۲۵ ق. در مشهد تشکیل گردید. غلامرضا جلالی مروری بر تاریخچه احزاب و انجمن‌های سیاسی خراسان، مجله پانزده خرداد، پاییز ۱۳۷۵، صص ۹۳ - ۹۵.
- ۷- انجمن اثنی عشری با اهداف اجتماعی و فرهنگی در راستای گسترش افکار مشروطه خواهان در مشهد در سال ۱۳۲۴ ق. به وجود آمد و بعضاً به عنوان بازوی سیاسی انجمن ایالتی انجام وظیفه می‌کرد. روزنامه خورشید، ۱۳ محرم ۱۳۲۶، ص ۴.
- ۸- اولین انجمن خیریه در خراسان بود که به همت چند تن از خیرین و علما تشکیل شد و بیشتر سعی در انجام امور خیریه مانند قرائت خانه و نشر معارف داشت. روزنامه خورشید، ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵.
- ۹- انجمن همت تنها انجمن مخالفان مشروطه در مشهد بود که در نوغان تشکیل شد. محمدتقی بهار، تاریخ مختصر احزاب سیای، ج ۱، ص ۱۵۴.
- ۱۰- انجمن اتحادیه خراسانیان تنها انجمن خراسانی‌های مقیم تهران بود که فعالیت‌های سیاسی محدودی را انجام می‌داد. خورشید، ۴ جمادی الثانی ۱۳۲۵، ص ۳.
- ۱۱- برای اطلاع بیشتر در مورد انجمن‌های سیاسی و فرهنگی خراسان ن. ک به: ابوالفضل حسن‌آبادی، انجمن‌های سیاسی و فرهنگی خراسان در عصر مشروطیت، مجله دانشکده ادبیات بیرجند، شماره دهم، بهار ۱۳۸۱، ش ۴۶.
- ۱۲- روزنامه بشارت به صاحب امتیازی محمد علی مدیرمدرسه مظفری در سال ۱۳۲۴ منتشر و تا سال ۱۳۲۶ ق. ادامه پیدا کرد محمد صدراشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، کمال، اصفهان، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۶
- ۱۳- روزنامه خورشید به صاحب‌امتیازی محمد صادق تبریزی در سال ۱۳۲۵ تأسیس شد و بعد از یک وقفه کوتاه در سال ۱۳۲۶، انتشار آن تا سال ۱۳۲۹ ق. ادامه پیدا کرد. کردمحمد صدراشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۲، ص ۲۵۱.
- ۱۴- رجعیلی سبزواری، تجدیدنامه، ۱۳۴۷ ق. نسخه چاپی شماره ۴۶۸۲ کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
- ۱۵- رجعیلی سبزواری، تجدیدنامه
- ۱۶- محمود بیهقی، سبزواری شهر دانشوران بیدار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزواری، ۱۳۷۶، ص ۱۶۴
- ۱۷- مهدی امداد، شرح حال رجال ایران، زوار، تهران، ۱۳۷۱، ص ۳۹۹
- ۱۸- گزارش جرج بارکلی به سر ادوارد گری، ۱۰ دی ماه ۱۲۸۷، کتاب آبی ج ۲، ص ۲۸۲
- ۱۹- محمد تقی مدرس رضوی، سال‌شمار وقایع مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۷۸، ص ۲۲
- ۲۰- ناظم‌الاسلام کرمانی، ج ۵، ص ۳۷۲
- ۲۱- محمد حسن ادیب هروی، حدیقه الرضویه، شرکت چاپخانه خراسان، مشهد، بی‌تا، ص ۱۹۰

۲۲- سید آقا کوچک ملقب به شجاع‌الاسلام از اهالی نوغان نائب علی‌اکبر حسنی را شکست داد و تلگرافخانه باغ عنبر را تصرف کرد. وی بعدها در تهران تحت‌نظر بود و در خانه‌ای که در اختیار وی قرار داده بودند، زندگی می‌کرد. روزنامه خراسان، ۱۶ مرداد ۱۳۴۱، ص ۷

۲۳- ناظم‌الاسلام کرمانی، ج ۵، ص ۳۷۲

۲۴- دیوان حاج میرزا حبیب‌الله خراسانی، به سعی علی حبیب، زوار، تهران، ۱۳۶۱، ص ۵۶

۲۵- فاضل خراسانی با میرزا حبیب در باب مشروطه همفکر بود و مجاهدان وی را که حدود هفتاد سال سن داشت ترور کردند. غلامرضا جلالی، میرزا حبیب خراسانی، نگاه حوزه، مهر و آبان ۱۳۷۵، ص ۳۴

۲۶- نائب یوسفخان بگلربیگی مشهد به دلیل کمک به شجاع‌التولیه و نائب علی‌اکبر حسنی به انجمن ایالتی احضار و مورد توبیخ قرار گرفت و در موقع بیرون رفتن از انجمن به وسیله یکی از مجاهدین کشته شد. محمدحسن ادیب هروی، حدیقه الرضویه، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲۷- حاج احمد تاجر اسکویی در مسجد گوهر شادبا گلوه حسین مجاهد تهرانی به قتل رسید. محمد احتشام کاویانیان، روزنامه خراسان، یکشنبه چهاردهم مرداد ۱۳۴۱، ص ۸

۲۸- حاج حسین آقا ملک توسط عده‌ای از مجاهدان در مسجد گوهرشاد کتک خورد. دیوان حاج میرزا حبیب‌الله خراسانی، به سعی علی حبیب، ص ۵۹

۲۹- از دلایل ورود زنان روسیه به انجمن را می‌توان به بستن منازل فواحش توسط انجمن اشاره نمود. روزنامه خورشید، ۳۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵، ص ۲.

۳۰- روزنامه خورشید، سال اول، شماره ۸۵، ص ۴

۳۱- عبدالرضا شریف ملقب به اعتضادالتولیه، سرکشیک پنجم آستان قدس رضوی از مخالفان مشروطه در مشهد بود. وی در جلسهای که در خانه خود در محله پانچار مشهد با مخالفان مشروطه داشت، در ۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۷ به دست مجاهدان ترور شد. گفته شد به هنگام ترور وی پنج تیر به دستش اصابت کرده بود. روزنامه خراسان، سال چهاردهم، شماره ۲۸۷۶، ص ۸ و دیوان حاج میرزا حبیب‌الله خراسانی، به سعی علی حبیب، ص ۵۹

۳۲- محمدعلی رضوی ملقب به قائم مقام‌التولیه، متولی موقوفات آستان قدس رضوی و سادات رضوی از بزرگان مشهد بود که به علت عدم همراهی با مشروطه‌خواهان به خارج از مشهد رفت، همراهی وی با مشروطه از روی اجبار بود. مهدی ولایی، شرح حال نواب تولیت عظمی، نامه آستان قدس، شماره ۱۳۴۴، ص ۲۰، ص ۱۰۱

۳۳- در مورد نقش میرزا حبیب‌الله مجتهد در مشروطه تناقضاتی وجود دارد، هرچند به ظاهر وی مشروطه‌خواهان را همراهی نموده، اما به نظر می‌رسد از روی میل درونی نبوده است. چنانچه نوه وی در مقدمه دیوان میرزا حبیب خراسانی نیز این نکته را یادآور شده است. دیوان میرزا حبیب خراسانی، به سعی علی حبیب، زوار، تهران، ۱۳۶۱، ص ۵۹. رجعی سبزواری در کتاب خود وی را در شمار مخالفان مشروطه ذکر کرده است.

۳۴- ابراهیم زنگنه، علماء و مشاهیر مدفون در حرم رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۸۲، ص ۵۶.

۳۵- بعد از به توپ بستن مجلس، آقازاده وارد مشهد شده و شهر برای استقبال

از او تعطیل گشت و عده‌ای با مکاری و کجاوه تا نیشابور و عده‌ای تا شریف‌آباد و طرق رفتند و زنان نیز از مزرعه گل خطمی تا صحن امام رضا(ع) از او استقبال کردند. آقازاده پس از ورود به منزلی که توسط عبدالرحیم صراف، حاجی مجلل‌التولیه، امین‌الشریعه در کوچه سرخوضان پایین خیابان تهیه شده بود، رفته و بعد از سه ماه به منزل‌شان که توسط حجت‌الاسلام بخارایی در کوی گوهر پشت سرای ازبک‌ها برای او تهیه دیده بودند، رفت.

۳۶- یکی از مهم‌ترین اقدامات مشروطه‌طلبان، کارهای فرهنگی بود که می‌توان به تأسیس مدرسه رحیمیه و قرائت‌خانه اشاره نمود. روزنامه خورشید، ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵.

۳۷- رکن الدوله در ۲۲ رمضان ۱۳۲۶ عمادالمحدثین پسر میرزا یحیی طباطباعت مشروطه‌طلب را دستگیر و به کلات تبعید کرد. ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۵، ص ۵۷۵

۳۸- بعد از فوت مظفرالدین شاه، فعالیت‌های مشروطه‌طلبان در مشهد به سستی گرایید و به تبع آن فعالیت‌های انجمن نیز کم شد و حتی منزل شیخ ذبیح‌الله مجتهد را گلوله‌باران نمودند. غلامرضا جلالی، حرکت استبدادی شیخ ذبیح‌الله مجتهد قوچانی، ص ۸

۳۹- همزمان به انعقاد فرمان مشروطه، مردم مشهد در روز چهاردهم محرم ۱۳۲۵ هج. مردم در صحن گوهرشاد تحصن کرده و سپس به منزل میرزا حبیب‌الله مجتهد رفتند و درخواست تشکیل انجمن نمودند.

از طبقات شش گانه، شش نفر ناظر انتخاب و از هر صنف یک نفر، از علما و تجار هر کدام دوازده نفر و از طلاب نیز از هر مدرسه یک نفر بود. غلامرضا جلالی، مروری بر تاریخچه احزاب و انجمن‌های سیاسی خراسان، مجله پانزده خرداد، پاییز ۱۳۷۵، ص ۹۳-۹۵.

۴۰- نقش ترک‌ها در شروع انقلاب مشروطه در مشهد و ادامه آن نمی‌توان نادیده گرفت، هر چند اظهار نظرات متناقضی درباره آنها شده است. برای اطلاع بیشتر در این مورد، دیوان حاج میرزا حبیب‌الله خراسانی، به سعی علی حبیب، ص ۵۹ و ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۵، ص ۳۷۲.

۴۱- از مشکلات مشروطه در مشهد مخالفت رکن الدوله با آنان بود و وی علی‌رغم خواست انجمن نماینده‌ای در آنجا نداشت که باعث کدورت و درخواست از مرکز برای عزل وی شد و تنها یک بار با فشار کنسول روس و انگلیس جلسهای با نماینده دولت برگزار گردید. کتاب آبی به انضمام احمد بشیری، ج ۱، ص ۳۴۷.

۴۱- رؤسای آستان قدس از ابتدای مشروطه در سلک مخالفان بودند.

«تمام خدمه آستانه به استثنای یک نفر از آن‌ها که عمل تجدد را در مشهد مروج و مهیج بوده به شاه نوشتند که مجتهدین و علماء و سادات آستانه که همگی اولاد و نائب امام بزرگوارند، مایل نیستند که پیروی مجلس شورای ملی را اطاعت احکام جز اوامر یا شاه نمایند و بدین واسطه خود را از هر جهت حامی خدمات مربوط به پادشاه نموده، هر اقدامی را که او بر ضد طرفداران مشروطه میل داشته باشد که نموده شود، در عهده خواهد داشت. کتاب آبی، به اهتمام جمشید بشیری، ج ۱، ص ۳۴.

منظور از یک نفر شاهزاده سراج السلطان بوده است

۴۲- برای اطلاع بیشتر در مورد روسها و اقدامات آنها در مشهد نک به حسین الهی بریسه‌های یک تهاجم در خراسان، مجله دانشکده ادبیات مشهد، شماره سوم و چهارم، سال ۱۳۲۲، پاییز و زمستان ۱۳۲۹.